

# زیارت جمال خدا در جماران

(مصاحبه با آقای علی زادسر)

اشاره:

آقای علی زادسر، متولد روستای زوار و جلگه از بخش ساردوئیه جیرفت است. وی در سال های قبل از انقلاب در توزیع و نشر رساله، عکس، و اعلامیه های امام خمینی فعالیت گسترده ای داشت تا آنجا که به دلیل این فعالیت ها دو بار دستگیر و زندانی شد. زادسر در سال ۱۳۵۷ به عنوان اولین طلبه از شهرستان جیرفت راهی قم شد و به یادگیری علوم حوزوی پرداخت. وی در دوران دفاع مقدس، بارها در عرصه دفاع از انقلاب و کیان ایران اسلامی، حضور یافت و در یک عملیات با اصابت تیر در ناحیه دستش مجبور شد سه سال از عمر خود را در بیمارستان سپری کند و هم اکنون جزء جانبازان جنگ تحمیلی به شمار می رود. علی زادسر در دوره های چهارم، پنجم و هفتم مجلس شورای اسلامی توانست بیشترین آراء شهرستان جیرفت و عنبرآباد را به خود اختصاص دهد و وارد مجلس شود. وی هم اکنون به عنوان نماینده مردم جیرفت و عنبرآباد و عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس مشغول فعالیت است. در ادامه، مصاحبه فصلنامه حضور را با وی می خوانید.

\* \* \*

حضور: ضمن تشکر، در ایام سالگرد عروج امام بزرگوارمان هستیم. با توجه به سوابق و مطالعات شما، مناسب است با بیان خلاصه ای از اوصاف و احوال و برکات آن مرد الهی، یاد ایشان را در جانمان تازه کنیم.

آقای علی زادسر: بسم الله الرحمن الرحيم. السلام عليك يا روح الله

از شخصیتی کم نظیر و بی بدیل - بعد از معصومین سلام...علیهم اجمعین - که در میان کبار و اعظام شیعه (رضوان...علیهم)، روح خدا در کالبد زمانه است، سخن گفتن و راجع به ویژگی های



□ هر آنکس هر آنچه از روح الله گفته است و از خمینی نوشته است به قدر تشنگی خود از آن چشمه فیاض و جوشان چشیده است و یاری او را از ظن خود برگزیده است

□ جماران، یک تاریخ است، تاریخی پند آموز و روشنگر. جماران یک مکتب است، مکتبی ظلم ستیز و ظالم سوز

بسیار برجسته و بعضاً منحصر به فرد حضرتش، قلم راندن، بسیار دشوار است، زیرا: چگونه می شود اقیانوسی متلاطم و ملامال از همه خوبی ها را با انگشتان دست، پیمانه کرد؟ چگونه می توان دریا را در بر که جای داد؟

هر گز نخواهد آمد آن هنگام که ادیبی ادعا کند الفاظی را یافته است که «خمینی» را در خود جای می دهند و کلماتی را بدست آورده است که «او» را به تصویر می کشانند و اوراقی را ملاحظه کرده است که «روح الله» را تفسیر می کنند.

کدامین فقیه و سیاستمدار، حقوقدان و فیلسوف، صرفی و نحوی، کلامی و منطقی و اصولی، هندسی و نجومی، شاعر و عارف، ظالم سوز و مظلوم نواز. و. و. را در عصر حاضر و در میان مذاهب اسلامی سراغ دارید که تبیین و توصیف شخصیت و ویژگی های «خمینی» را آنگونه که بوده است، مطرح کرده باشد؟!، ابدأ، هر آنکس، هر آنچه از روح الله گفته است و از خمینی نوشته است، به قدر تشنگی خود از آن چشمه فیاض و جوشان چشیده است و یاری او را از «ظن» خود

برگزیده است، و گرنه «خمینی» به ماهو «خمینی»، قابل گفتن، نوشتن، درک کردن و توصیف نمودن نیست، چون که او جلوه خداست و از کلمه و جمله بالاتر و بزرگتر است.

وصف «خمینی» را می‌بایست در آیات قرآن جستجو کرد و ویژگی‌های خاص او را از خدا

شنید و قول و فعلش را در اعمال و رفتار چهارده نور واحد، صلوات...علیهم اجمعین، برشمرد.

چگونه صاحب این بضاعت مزجات از آن گنجینه اسرار الهی بگوید یا بنویسد؟!، ان شاء الله

که از الطاف خداوند تبارک و تعالی است که به «زادسر» فرموده‌اند که از «خمینی» بگوید و

اگرچه بر عدم صلاحیت خویش وقوف دارم، ولیکن بدان امید که این موقعیت طلایی فرصتی

الهی باشد، مغتنمش می‌دانم، و عرضه می‌دارم که در این جهان هستی و این کره خاکی

سزاوارترین عزیز عظیم‌الشأن و جلیل‌القدری که می‌بایست از «خمینی» بگوید و می‌باید از «عشق و

مرادش» بنویسد «خامنه‌ای» است که خلف صالح و فرزند برومند و تلمیذ برجسته «روح‌اللهی» است

و چنین کرده است. این است که جملات و بیاناتی چهارده‌گانه را از صدها کلام ناب و پر شراب

«حضرت آقا» که سیراب شده از جام پیر خراباتی خمین است، در باره شخصیت و ویژگی‌ها امام

شهیدان، از باب تیمن و تبرک، تقدیم می‌دارم:

۱- او در بانگ تکبیر مبارزان مسلمان، در اراده قهرآمیز ملت‌های زیر ستم، در ایمان آگاهانه

نسل جوان معاصر در دنیای اسلام، در امید روشن مستضعفان و مظلومان، در سوز و حال معنوی

مناجاتیان، در حیات دوباره معنویت و ارزش‌های اخلاقی در جهان و در همه جلوه‌های زیبایی که

حرکت انقلابی و تاریخ ساز او در دوران معاصر به وجود آورد و بلاخره در دل یکایک عاشقان و

مردانش زنده است. (۶۸/۴/۱۷)

۲- او مانند خورشیدی بود که با درخشش خود اشیاء را آشکار می‌کند و مانند روحی بود که

با میدن به کالبدی اجزاء آن را زنده می‌سازد. او ما را زنده کرد و به حرکت در آورد و ما

توانستیم به کمک وجود او به ارزش جغرافیائی و تاریخی کشورمان و به حقیقت فرهنگ گذشته

قرآن و ملت خود پی ببریم و اگر نظام جمهوری اسلامی و این انقلاب بزرگ و جهانی و نیز این

رستاخیز عظیم ایجاد شده در دنیا را به عنوان یک شجره طیبه بدانیم ریشه آن همین شخصیت

□ «حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم اسلام ناب محمدی (ص) و تبلور انقلاب اسلامی بود»

□ «امام در عین آنکه از اندیشه سیاسی بسیار بالایی برخوردار بودند به عنوان یک انسان استثنایی زمان ما حقایق را می فهمیدند و این همان عالم غیب ملکوت وجود انسان است که راه رسیدن به آن تقوی و عمل به تکلیف شرعی است»

عظیم است که این درخت مبارک را رویانند (۶۸/۴/۳۹)

۳- حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم اسلام ناب محمدی (ص) و تبلور انقلاب اسلامی بوده و او خود و سخنش و انگشت اشاره اش خضر راه این حرکت الهی و روشنگر نقاط مبهم و برطرف کننده همه تردیدها بوده و همچنان خواهد بود. ملت ایران و از همه بیشتر مسئولان کشور باید این درس بزرگ را هرگز از یاد نبرند. (۶۹/۳/۱۳)

۴- فتح دل‌های آحاد امت اسلامی در اقصی نقاط جهان که در برابر عظمت امام و راه و پیام او از خود اطاعت، تسلیم و همراهی نشان دادند از اخلاص آن بزرگوار که نقطه اساسی حیات او بود ناشی می شد و فقط با اخلاص در گفتار و عمل است که می توان راه امام را طی کرد. (۶۹/۳/۱۲)

۵- بر اساس معانی قرآنی واقعی، حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه انسان حکیمی بودند که با حکمت خود فعل و انفعالات عالم غیب را درک می کردند. امام در عین آنکه از اندیشه سیاسی بسیار بالایی برخوردار بودند به عنوان یک انسان استثنایی زمان ما حقایق را می فهمیدند و این همان عالم غیب ملکوت وجود انسان است که راه رسیدن به آن تقوی و عمل به

تکلیف شرعی است. (۶۸/۶/۳۱)

۶- اینجانب که خود را شاگردی متواضع و فرزند مطیع و مریدی دل‌باخته آن روح الله می‌دانم این توفیق را داشته‌ام که در تمام ده سال و چند ماه پس از ورود رهبر کبیر به ایران تا لحظه عروج آن روح ملکوتی از آن سرچشمه فیاض سیراب شده و لحظه لحظه جریان مبارک آن هدایت الهی را با همه وجود خود لمس کنم. سخن و اشارات او، اندیشه و نصیحت او، دستور و توصیه او و بلاخره رفتار او عطیه‌های گوناگونی بود که سخاوتمندانه از آن قلّه مصفا می‌جوشید و معدودی از یاران او را که در دامنه بودند پیوسته بهره‌مند می‌کرد. (۷۰/۳/۸)

۷- امت امام و شاگردان او که از سرچشمه فیاض آن موجود ملکوتی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جسته‌اند اکنون شاهد آنند که ملت‌های دیگر حتی ملت‌های غیر مسلمان، نسخه تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه نجات خود دانسته و آزادی و غیرت خویش را در آن یافته‌اند. امروز به برکت نهضت آن یگانه دوران، مسلمانان در همه جا بیدار شده‌اند و کاخ امپراتوری‌های سلطه ظالمانه رو به ویرانی نهاده است. ملتها ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه خون بر شمشیر را تجربه می‌کنند و همه در همه جا چشم به ملت مقاوم و نستوه ایران دوخته‌اند. (۷۰/۳/۸)

۸- امام آن روح الله بود که با عصا و ید بیضای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی به نجات مظلومان کمر بست، تخت فرعون‌های زمان را لرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن ساخت. (۷۰/۳/۸)

۹- خصلتهایی که در امام بود هر کدام به تنهایی کافی بود که از یک فرد، انسانی بزرگ بسازد. بسیار خردمند، هوشیار، زیرک و آگاه. از آن انسانهایی که به راحتی نمی‌توان حقیقتی را به او واژگونه جلوه داد. انسانی با اراده پلادین که هیچ مانعی نمی‌توانست جلودار او شود. در عین حال انسانی بسیار رئوف و دل‌رحم چه در هنگام مناجات با خدا و چه در هنگام برخورد با نقطه‌هایی از زندگی انسانها، در عین حال دارای حس خویشتن‌داری تقنا، یعنی انگیزه‌های نفسانی و هواها و هوسها در او نبود و کمتر سراغ داریم انسانی که اسیر هواها نباشد. ولی او امیر بر هواهای خود بود.

□ «دوران دهساله حیات مبارک امام خمینی، الگو و نمونه حیات جامعه انقلابی ما است و خطوط اصلی انقلاب همان است که امام ترسیم فرموده است»

در عین حال در نهایت تواضع و فروتنی و صبر و بردباری بود. سختترین حوادث در اقیانوس وجود او تلاطم ایجاد نمی کرد. (۷۰/۳/۸)

۱۰- بخشیدن روح عزت، استقلال، استغناء و اعتماد به نفس به ملتی که در طول سالیان متمادی سعی شده بود که اعتماد به نفس از او گرفته شود و استقلال او مورد دستبرد قرار گیرد و اعتماد به نفس او از بین برود و دیگران بر سرنوشت او تسلط یابند، از مشخصه های عمده انقلاب است که توسط امام خمینی در جامعه انقلابی کشور ترسیم شده است. (۶۸/۳/۲۹)

۱۱- آن روح بزرگ و کوه سستبر به دفعات در برابر عظمت مردم تکان می خورد و می لرزید. (۶۸/۴/۱۰)

۱۲- دوران ده ساله حیات مبارک امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) الگو و نمونه حیات جامعه انقلابی ما است و خطوط اصلی انقلاب همان است که امام ترسیم فرموده است. دشمنان خام طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی دوران جدید با مشخصاتی متمایز از دوران امام خمینی (قدس سره) آغاز شده است سخت در اشتباهند. (۷۰/۳/۸)

۱۳- راه ما راه امام خمینی است و در این راه با همه قدرت و قاطعیت خود حرکت خواهیم کرد. (۷۰/۳/۸)

۱۴- در تاریخ پرماجرای انقلاب، هیچ روزی مانند دوازدهم بهمن نبود که در آن مردی از دودمان پیامبران و بر شیوه آنان، با دستی پرمعجزه و دلی به عمق و وسعت دریا، در میان مردمی شایسته و چشم به راه، چون آیه رحمت فرود آمد و آنان را بر بال فرشتگان قدرت حق نشانید و تا

عرش عزت و عظمت برکشید. و هیچ روزی چون چهاردهم خرداد نبود که در آن طوفان مصیبت و عزا بر این مردم، تازیانه غم و اندوه فرود آورد. ایران یکدل شد و آن دل در حسرتی گدازنده سوخت، و یک چشم شد و آن چشم در مصیبتی عظیم گریست. در آن روز خورشیدی غروب کرد که با طلوع آن هزار چشمه نور در زندگی ملت ایران جوشیده بود، روحی عروج کرد که با نفس روح الهی اش پیکر ملت را جان بخشیده بود، حنجره‌ای خاموش شد که نفس گرمش سردی و افسردگی از جهان اسلام زدوده بود، لبانی بسته شد که آیات الهی عزت و کرامت را بر مسلمین فروخوانده و افسون یأس و ذلت را در روح آنان باطل ساخته بود.

در این جا اشاره‌ای می‌کنم به بعضی از خدمات و برکات حضرت امام از دیدگاه مقام معظم

رهبری:

۱- احیای اسلام

۲- بازگرداندن روح عزت به مسلمانان

۳- دادن احساس درک امت اسلامی به مسلمانان

۴- برانداختن یکی از مرتجع‌ترین و پلیدترین رژیم‌های جهان

۵- ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام

۶- ایجاد نهضت اسلامی در جهان

۷- پدید آوردن نگرش جدید در فقه شیعه

۸- ابطال باورهای غلط درباره اخلاق فردی حکام و لزوم وجود اخلاق فردی خاص در

این گروه

۹- احیای روحیه خودباوری در ملت ایران

۱۰- اثبات ممکن بودن نه شرقی و نه غربی در عمل. با توجه به ویژگی‌هایی که برای

خط روشن خمینی کبیر برشمردیم، عصر ما، عصر خمینی است. بی هیچ تردیدی عصر حاضر را باید عصر خمینی نامید.

آیت الله خامنه‌ای در جای دیگری در باره حیات و تداوم اندیشه‌های امام خمینی می‌گویند:

## □ قیام ۱۵ خرداد ۴۲ حرکتی خلیل الرحمانی است که تبر ستر و برآنش تمامی بتهای جاهلیت شاهنشاهی و لیبرالیسم غربی را درهم شکست

«ما صریحاً به همه ی ملتهای جهان اعلام می کنیم که تفکر خاتمه یافتن دوران امام خمینی که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم آمریکا و همکارانش امام خمینی در میان ملت خود و جامعه خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و ادامه خواهد داشت. راه او، راه ما، هدف او، هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ماست.»

همچنین اشاره‌ای می‌کنم به اربعینی از عرصه های اندیشه و عمل که در کلام آن مرد الهی تبلور یافته و در قالب عناوین زیر به صورت کتابها و مقالات تحقیقی عرضه شده و می‌شود.

- ۱- امام خمینی و مبانی حمایت از فلسطین، ۲- آزادی مطبوعات از منظر امام خمینی،
- ۳- آزادی و عدالت در اندیشه امام خمینی ۴- اخلاق دانشجویی از زبان امام خمینی ۵- استراتژی حضرت امام در برخورد با مخالفین داخلی انقلاب و اسلام، ۶- استراتژی امام در برخورد با آمریکا،
- ۷- استراتژی امام در مورد اسرائیل، ۸- اسلامی شدن دانشگاهها در نگاه امام خمینی،
- ۹- اعتدال‌اندیشی امام خمینی، ۱۰- امام خمینی و آزادیها، ۱۱- امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان، ۱۲- رابطه آزادی و ولایت در اندیشه سیاسی امام خمینی، ۱۳- امام خمینی و گستره آزادی زن ۱۴- امام خمینی و هویت ملی، ۱۵- امام خمینی، روحانیت و نظام سیاسی، ۱۶- امام و خانواده، ۱۷- امام و شهیدان، ۱۸- امام و ارائه خالص ترین قرائت از اسلام، ۱۹- اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی، ۲۰- انسان و تربیت در نظرگاه امام خمینی، ۲۱- فرمایشات حضرت امام خمینی (س) در ارتباط با سینما، تئاتر، تلویزیون، موسیقی، ۲۲- حضرت امام و تسخیر لانه جاسوسی، ۲۳- امام و دانش‌آموزان و دانشجویان، ۲۴- امام و کتاب کفرآمیز آیات شیطانی، ۲۵- امام و پیش‌بینی فروپاشی قطب مارکسیستی جهان، ۲۶- حجاب سیاسی و بدحجابی سیاسی در نگاه امام، ۲۷- توبه



از نظرگاه امام خمینی، ۲۸- توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی، ۲۹- ثبات و تحول در اندیشه سیاسی امام خمینی، ۳۰- جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی، ۳۱- جوان در نگاه رهبر فقید انقلاب، ۳۲- خاستگاه قرآنی اندیشه سیاسی امام خمینی، ۳۳- درآمدی بر آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی ۳۴- دشمن‌شناسی امام ۳۵- دیدگاه امام در مورد مبارزه با مخالفین خارجی اسلام و انقلاب، ۳۶- دیدگاه امام دربارهٔ مقام معظم رهبری، ۳۷- دین و دنیا در اندیشه امام خمینی، ۳۸- عدالت حاکم اسلامی از دیدگاه امام خمینی ۳۹- امام خمینی و اسلام ناب محمدی ۴۰- وحدت از دیدگاه امام خمینی و صدها، بلکه هزاران موضوع دینی و دنیایی، مادی و معنوی از دریای موج روح بلند و ملکوتی امام قابل شمارش و فهرست کردن است که در این مقال نمی‌گنجد.

به هر حال اکنون که خداوند سبحان جلت عظمته توسط «مجله حضور» این عبد ذلیل در گاهش را نیز لیاقت داده است تا ذهن، فکر، قلم و دستش را به یاد و نام و عشق «خمینی» معطر و مبارک سازد، «در رثای هجدهمین سالگرد ارتحال جانسوز روح خدا در کالبد زمانه» چنین تقدیم می‌دارد:

امام خمینی (قدس سره الشریف) مخاطب واقعی خدای سرمد است که فرمود: «یا ایها النفس المطمئنه إرجعی إلی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی» چون که حسین روزگار خویش شد و نهضت مقدس خمینی همان انقلاب اقدس حسینی است. آن یگانه دوران، مصداق روشن کلام درباره جد نازنینش مولی‌الموحدین، علی بن ابیطالب شد که فرمود: قرآن ناطق منم و قرآن معید را در مقام عمل تبیین و تفسیر کرد و آیات بسیاری را در باور دینداران نشانید و در بوستان مقدس دلهای محیین ولایت آبیاری نمود و از آن جمله است «وقل جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقا» را در دوازدهم بهمن ۵۷ و «إنا فتحنا لک فتحا مبینا» را در بیست و دوم بهمن ۵۷، «إذا جاء نصر الله والفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله أفواجا» را در دوازدهم فروردین ۵۸، «فسبح بحمد ربک» را در کلام گهربار «اگر به من خدمتگزار بگویند بهتر است تا رهبر بگویند»، «تبت یدا ابی لهب و تب» را با ترانه زیبای «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و...

از او چه بگویم که تجلی بخش «تبارک الله أحسن الخالقین» است و از او چگونه بگویم که آنچه خوبان - پس از معصومین سلام الله علیهم أجمعین - همه داشتند به تنهایی صاحب بود. جماران او مسجد النبی را به نمایش گذاشت. ما در جماران رسول الله را زیارت کرده ایم، ولی الله را مشاهده و نهج البلاغه را استماع و ذوالفقار را رؤیت نموده ایم.

از جماران علت معاهده امام مجتبی (علیه السلام) را در پذیرش قطعنامه دانستیم و جگر پاره پاره جگر گوشه زهرا (سلام الله علیها) را با جام زهر نوشیدنش، به چشم خویش دیده ایم. ما در جماران به ملاقات خدا رفته ایم و در آن وادی مقدس یدالله را بوسیده ایم و شمه ای از جمال خدایی یوسف فاطمه، حجت بن الحسن المهدی (سلام الله علیهما) را تصور کرده ایم.

جماران یک حسینه کوچک در شمال تهران نیست، جماران یک تاریخ است، تاریخی پندآموز و روشنگر. جماران یک مکتب است. مکتبی ظلم ستیز و ظالم سوز.

آری! از او چه بگویم که همه خوبی، سراسر باکی، سراپا عشق و مظهر بندگی خدا بود و اکنون هجده سال است که «الله أعلم حیث یجعل رسالته» را درک کرده ایم و شنونده ترانه زیبای سروده امتش می باشیم که «آمریکا در چه فکریه، خامنه ای خمینیه» و زبان حال دشمنان قسم خورده اش چنین حکایت می کند که «خمینی نمرده است، خمینی جوان شده است». درود خدا و انبیاء و اوصیاء و اولیاء و عباد الله و ملائکه الله به روح پرفتوح و جاودانه اش، و سلام به محضر مقدس جانشین بحق و حکیم و فرزانه اش.

اینک در هجدهمین سالگرد ارتحال جانگداز امام خمینی کبیر در محضر روح ملکوتی و پرفتوح حضرتش و ارواح طیبه صدها هزار شهید در رکابش، دگر باره رجز زیبا و حماسی امتش را زمزمه می کنیم که «ما همه سرباز توایم خامنه ای، گوش به فرمان توایم خامنه ای»، «تا خون در رگ ماست، خامنه ای رهبر ماست». روح بلند روح الله از همگان راضی باد. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

رحلت جانگداز آن فقید سعید و امام حکیم که «رضوان من الله أكبر» روزیش، و «ادخلوها بسلام آمین» منزلش همی باشد، بر امام عصر علیه السلام و نایب شایسته اش و خانواده بایسته آن

امام راحل و عظیم الشان و نوه برومندش حضرت حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی، تسلیت باد.

حضور: علت فراگیر شدن اندیشه امام خمینی خصوصاً در میان جوانان را در چه می دانید؟  
زادسرو: حضرت امام خمینی (قدس سره)، نه فقط در جامعه اسلامی ایران مقبول آمد که در میان ملل و نحل جهان عالی ترین نمره قبولی را دریافت کرد. به دلایل بسیار که به برخی از آنها اشاره می شود:

- مطابق فطرت پاک خدایی نوع بشر، عمل کرد، گفت و نوشت و هر آنچه که فطری باشد، محبوب آدمیان است.

- قبل از آن که به دیگران بگوید، خود عمل کرد.

- هر چه کرد، گفت و نوشت. از خدا بود و اسلام عزیز و بندگان پروردگار.

- در طول هفتاد سال عمر پربرکت و تاریخ سازش (از ۱۷ سالگی تا ۸۷ سالگی) مرام، منطق،

مکتب، روش، منش، دین، آیین، سیر، سلوک، ستمکارسوزی، ستم ستیزی، پاک باختگی و...  
جدش سیدالشهداء (علیه السلام) و عاشورایش را نعل به نعل خواند و یافت و فاعل شد. حسین (علیه السلام) مقبول جن و انس است و مقبولیت وجود اقدس، اطهر، اعظم و اکبر امام حسین (علیه السلام) در بین ملت الهی ایران مضاعف است.

در یک کلمه مردم ایران روح الله خمینی را نمونه غیر معصوم اباعبدالله دیدند و طالب و فدایی او گشتند.

همچنین، جوانان چون علایق مادی و تعلقات نفسانی کمتری دارند و قلوبشان پاک تر و وجودشان قوی تر است، زودتر و بهتر می توانند با منبع نور و طهارت و قدرت واقعی مرتبط شوند و چنین شد که رژیم ستم شاهی بیست و پنج قرنی را به رهبری آن نور الهی و قدرت حسینی، واژگون ساختند.

حضور: نقش قیام ۱۵ خرداد در نهضت امام خمینی چه بود؟

زاد سر: قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و تأثیر آن حرکت خلیل‌الرحمنی که تبر سبیر و برانش تمامی بت‌های جاهلیت شاهنشاهی و لیبرالیسم غربی را در هم شکست، نیاز به توضیح ندارد و برای نسل فعلی «زیره به کرمان بردن است» و جهت نسل‌های بعدی هم در صلاحیت‌گوینده نیست. آن به که زبان در کام کشم که به حق نزدیک‌تر است به جز این نکته که قیام پانزده خرداد آنقدر مؤثر، عظیم، سرنوشت‌ساز، تحول‌آفرین، تاریخی و الهی است که خالق آن (خمینی)، به صاحب آن (مردم)، فرمودند: من برای همیشه پانزده خرداد را عزای عمومی اعلام می‌کنم، که تاسوعای عاشورا، برای همیشه عزای امت اسلامی است و ۱۵ خرداد ۴۲، تاسوعای عاشورای ۵۷ نهضت خمینی (س) حسینی (ع) است.

حضور: چنانچه خاطره ای از حضرت امام دارید، بیان بفرمایید.

زاد سر: دو خاطره از امام خمینی کبیر (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) دارم که یکی عمومی است و دیگری خصوصی.

**خاطره اول:** روز دوازدهم بهمن ۵۷ بود و نگارنده هم قطره‌ای بود از دریای خروشان و موج میلیون‌ها نفر استقبال‌کننده از حضرت امام از «مهرآباد» تا «بهشت زهرا» که به‌رغم جوانی و پرشور و کنجکاو بودن، نتوانستم خود را به نزدیک‌تر از آن ساختمان چندطبقه نیمه‌کاره که در سیمای جمهوری اسلامی دیده‌اید، برسانم و سپس در آن روز پس از ساعت‌ها خود را به چندصدمتری جایگاهی که آن فرشته نجات امت اسلامی در بهشت زهرا سخنرانی داشت رساندم و شاهد بودم که بزرگانی چون آیات جلیل‌القدر مطهری، مفتح و و. و. نتوانستند جماعت چندمیلیون نفری منتظر را جهت استماع سخنان تاریخی حضرت امام خمینی مهیا سازند و ظاهراً حضرت امام به این نتیجه رسید که خودش باید دست بکار بشود.

به ناگاه طنین صدای ملکوتی «خمینی» فضای چندهزار هکتاری خیل مشتاقان منتظر را معطر ساخت که «بسم الله الرحمن الرحیم»، به یک‌باره آنچنان سکوت و آرامشی این دریای متلاطم و

طوفانی را فرا گرفت که انگار احدالناسی اینجا نفس نمی کشد. و این سکوت عجیب که فکر می کنم بارقه ای الهی و تصرفی خدایی بود هرگز از ذهن و خاطر من محو نشده است و نخواهد شد که چگونه نفس گرم و مسیحایی خمینی کبیر آن همه جمعیت را که کمترین رقم آن را بخیل ترین دشمنان انقلاب اسلامی هفت میلیون نفر ذکر کرده اند، ساکت کرد که منجر شد به آن سخنرانی تاریخی و سرنوشت ساز که: «من توی دهن این دولت می زنم»، «من به پشتیبانی این ملت دولت تشکیل می دهم» و...

**اما خاطره دوم:** من از نوجوانی عاشق امام بوده ام. این است که دوران دفاع مقدس در بیش از ۱۲ عملیات شرکت داشته ام و طی ۸ سال قریب به ده بار وصیت نامه و چندین مجلد «خاطرات یک طلبه از جبهه های جنگ» نوشته ام و در همه آنها معتقد بوده ام که «یا خمینی اینی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم، و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم» و واقعاً دستور خمینی را دستور حجت ثانی عشر علیه السلام، می دانستم و اکنون نیز نسبت به خلف صالحش، اعتقاد چنین است. با توجه به آن عشق و علاقه، هرگز توقع نداشتم که روزی و روزگاری برسد که خصوصی کنار امام باشم و او با من سخن بگوید، احوالپرسی کند، مرا مورد تفقد قرار بدهد. جوانکی چون من در آن زمان نمی توانست چنان خواسته ای را در ذهن خود بپروراند.

از مشیت الهی روزی جناب حجت الاسلام والمسلمین انصاری که از خواص دفتر امام و یکی از نزدیکترین اصحاب حضرتش بود و هست در کرمان سخنرانی می کرد. بعد از سخنرانی به حضورش رسیده و عرضه داشتم «حاج آقای انصاری، این دفعه که خدمت حضرت امام رسیدی، خدا و کیلی به نیت من دست آقا را ببوس». جناب ایشان فرمودند: «خوب، خودت بیا ببوس» باور نکردم و پرسیدم راست می گویی؟! فرمود: «آره خوب، تو طلبه ای، جانباز هستی که حضرت امام به امثال شما علاقه مند است.»

آه خدای من، اصلاً در پوست خود نمی گنجیدم. تلفنش را به من داد و فرمود هر وقت آمدی تهران، زنگ بزن تا بگویم که چه وقت بیایی. «الله اکبر».

قرار بود برای عمل جراحی دوم به تهران و آسایشگاه جانبازان عزیمت کنم. آمدم تهران و

□ حضرت امام به من فرمودند: «الحمد لله حائنان خوب است؟» و بنده هر چه کردم نتوانستم پاسخ بدهم، فقط اشک می ریختم

□ پولهایی که امام دادند دقیقاً برابر بود با نیازها و قرضهای اندک آن زندگی جبهه ای و طلبگی که یادش به خیر؛ فقط بگویم که بسیاری از دوستان و آشنایان از آن متبرک شدند

تلفن زدم به حاج آقای انصاری، فرمود فلان روز و فلان ساعت بیا. من هم آن شبی که قرار بود روز بعدش به زیارت نایب امام زمان نایل بشوم به منزل یکی از دوستانم در «کن تهران» رفتم که رزمنده بود و با یکی دیگر از دوستان پاسدارم که برادر شهید هم بود خود را آماده می ساختیم که فردا روز وصال یار بود، آن شب غسل کردیم و وضو ساختیم. نماز شب خواندیم، خلاصه لحظه موعود فرا رسید. الله اکبر و الحمد لله.

به محل بازرسی ورودی دفتر امام که رسیدیم، اسم زادسر بود ولی دوستانش را اجازه ورود ندادند که آثار اندوه و قطرات اشکشان باعث گردید که به آنان بگویم که مطمئن باشید که شما هم به زیارت حضرت امام نایل خواهید شد.

بنده را راهنمایی فرمودند. وقتی که از جلوی در حسینیه رد شدیم و به مقابل در ورود محل جلوس حضرت امام رسیدیم ضربان قلبم از حد تصور گذشته بود و اصلاً حالت عادی نداشتم و سیل اشک بود که بر گونه هایم سرازیر شده بود. از ورودی در که گذشتم من چه دیدم؟ سبحان الله و اللهم صل علی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم.

تماشای جمال خدا و زیارت روی یار در حسینیه جماران.  
ملاقات رسمی و واقعی با نایب امام زمان (ع) در شمال تهران.  
گفت و گو با دلبر و دلداری که هوش را از سر صدها عاشق آرزومند وصال ربوده بود.  
نگاه انداختن در نگاه آسمانی و تماشایی ماه ولایت. خیره شدن به نور پیشانی خورشید  
امامت.

حضرت امام خمینی بر روی بالکن محل ملاقات‌های خصوصی و اندرونی بر روی صندلی  
نشسته بود و حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد آقا (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) و آیت‌الله  
توسلی و جناب حجت‌الاسلام انصاری هم در دو طرف وجود نازنین و الهی‌اش ایستاده بودند.  
نمی‌دانم چگونه خود را به امام رسانیدم و دست مبارکش را با تمام قوا در دستام می‌فشردم  
و بر چشم و صورت و پیشانی می‌مالیدم تا آنجا که عنان از کف داده بودم که دست امام را که از  
اشک چشمان من خیس شده بود از دست نمی‌دادم و بر چشم و صورت خیسم می‌کشیدم و  
نمی‌دانم آنهمه اشک از کجا و چگونه تولید و سرازیر می‌شد و تا این لحظه هیچوقت چشمانم  
چنین بارانی نشده‌اند بجز وقتی که کعبه را دیدم و قبر شش گوشه‌ی امام حسین علیه‌السلام را.  
خلاصه کلام حاج سیداحمد آقا دست امام را به زور از دستان من نجات داد، ولیکن برایم  
عجیب بود که حضرت امام دستش را کاملاً در اختیار من گذاشته بود و به هر طرف صورت و  
پیشانی که می‌بردم مقاومتی را از سوی امام حس نمی‌کردم.

سرانجام آقای انصاری مرا به امام معرفی کرد که ایشان زادسر از طلبه‌های مدرسه  
کرمانی‌های قم هستند و جانباز انقلاب اسلامی می‌باشند و اکنون هم مجروح هستند.  
آنگاه حضرت امام خطاب به من فرمودند: «الحمد لله حالتان خوب است؟» و بنده هر چه  
کردم که پاسخ بدهم نتوانستم فقط اشک می‌ریختم و می‌گفتم: حا‌ حا‌ حال، و نتوانستم کلام را  
ادامه بدهم و فقط گریه می‌کردم.

سپس جناب آقای توسلی پاکتی پلاستیکی که مقداری پول در آن خودنمایی می‌کرد به  
سوی من گرفت و اشاره کرد که بگیر! و من با گریه بسیار گفتم: من، من، من، پول نمی‌خواهم،

من برای پول که نیامدم!، ایشان فرمودند: حضرت امام می فرمایند. یک نگاهی به چشمان عجیب امام که هنوز مثل آن‌ها را ندیده‌ام، انداختم و آن پاکت را محکم گرفتم و همچنان به گریه ادامه می‌دادم که مجدداً امام فرمودند: «چرا گریه می‌کنید؟» و من که یک مرتبه به یاد دوستانم افتادم یکدفعه گفتم: آقا، آقا رفیقانم، رفیقانم را نگذاشتند که خدمت شما مشرف بشوند.

حضرت امام رو کرد به حاج سیداحمد آقا و فرمودند بگویند رفیقان زادسر بیایند.

حالا تصور کنید وقتی را که بلندگوی اطراف بازرسی به صدا در بیاید و گوینده‌اش بفرماید که «رفیقان و همراهان زادسر بیایند» اصلاً باورش دنی هست؟! خود این دو نفر می‌گفتند اصلاً دیوانه شدیم وقتی که گفتند همراهان زادسر جهت ملاقات امام بیایند، باورمان نمی‌شد. بعد از این که امام دستور شرفیابی دوستان مرا صادر کردند به پاخواستند که دقایقی را برای استراحت بروند چون هیچ کس دیگری به غیر از من آنجا نبود و حاج احمد آقا فرمودند منتظر بمان تا دوستانت بیایند مجدداً حضرت امام برمی‌گردند.

یادم نیست که چقدر طول کشید چونکه زمان را درک نمی‌کردم، تا دیدم که شش نفر دیگر را اذن دخول دادند. یک عروس و داماد با والدیشان و دوستان مرا. و منم شدم نفر هفتم و ایستادیم تا حضرت امام مجدداً تشریف فرما بشوند و بر صندلی خود جلوس فرمایند و خطبه عقد عروس و داماد را بخوانند و دوستان من هم او را زیارت کنند.

سرانجام آن ماه آسمانی و خورشید الهی دگر باره چهره نمایانید و بر دل تاریک من نور ولایت را دوباره تابانید و شروع کرد به انشای خطبه عقد آن عروس و داماد خوشبخت که خوشا به حالشان.

بعد از انشای خطبه و زن و شوهر شدن آن دو با لسان مبارک نایب امام زمان، امام فرمودند: «مبارک باشد آقا، برید با هم بسازید» و من هم در دلم گفتم خوش بحالتان که اولین تبریک زندگی مشترکتان را امام خمینی گفتند و توسط امام، همسر گشتید. سپس داماد دست امام را بوسید و وقتی عروس خواست چنین کند امام دست مبارکتان را به زیر عبای خویش بردند و اجازه دادند، و والدیشان هم چنین کردند.



حالا نوبت دوستان من شده بود و این از عجایب بود که منی که نتوانسته بودم جواب احوالپرسی امام را بدهم اکنون می‌خواستم این دو را معرفی کنم. و البته چنین نیز کردم ولی اکنون یادآوریش برای خودم جالب است برای شما نمی‌دانم.

براستی که روزی تاریخی بود، یکی از بهترین روزهای عمرم و هیجانی‌ترین لحظات زندگیم که «من حیث لایحتسب» روزیم شده بود و شیرینی آن که این بهار، بیست و پنجمین آن بهار است، همچنان کام دلم را گوارا دارد و ذهن و روحم را می‌نوازد.

و چه بگویم که با آن پول‌ها که دقیقاً برابر بودند با نیازها و قرض‌های اندک آن زندگی جبهه‌ای و طلبگی که یادش بخیر، چه کردیم، فقط بگویم که بسیاری از دوستان و آشنایان از آن متبرک شدند.

البته مشروح این خاطره را قبلاً (سال ۶۱) نوشته بودم که آن دفتر را در لبنان گم کردم و آرزومند بودم تا کسی مرا مجبور کند که مجدداً آن را بگویم و ثبت شود که الحمدلله چنین شد و گویی این خاطره از آن دیروز است.

حضور: در باره عملکرد مجلس هفتم در راستای اندیشه و راه امام، ارزیابی شما چیست؟

زاد سر: عملکرد مجلس هفتم باب طبع این بنده کوچک خدا نبوده و نیست و انتقادات متعددی به چگونگی رفتار، گفتار و کردار اداره کنندگان آن داشته و بعضاً آن را مطرح ساخته است و بازتاب گسترده هم داشته است، از قبیل تعامل آن با نمایندگان محترم، دفاتر نمایندگان، کارمندان مجلس، و یا نمایشگاه‌هایی که برگزار می‌کند و طرح‌هایی که داد، خصوصاً نظام هماهنگ پرداخت و تثبیت قیمت‌ها، که تکرار و توضیح آن‌ها ضرورت ندارد، ولیکن مجلس هفتم چند ویژگی ممتاز نیز داشته و دارد:

- ۱- برای نظام مقدس جمهوری اسلامی زحمت ساخت.
- ۲- کشور را متشنج نکرد و بهانه به دست بهانه‌جویان نداد.
- ۳- تیم هسته‌ای را نه اینکه تضعیف نکرد، قاطعانه پشتیبان بود.

□ امام خمینی یعنی دو کلمه اساسی و بنیادی، اول خدا و دوّم مردم

□ مسئولین در قبال مردم فقط و فقط یک وظیفه دارند و آنهم «نوکری» محض است

۴- به هنگام و به موقع مواضع سیاسی و حکومتی نظام را در مسایل کلان داخلی و خارجی و ایران و جهان حمایت کرد و اهرم قوی فشار دولت جمهوری اسلامی برگرده شورای امنیت سازمان ملل و سازمان انرژی هسته‌ای و گردانندگان آن پی‌تی‌بی‌تی بود. و یکی از عوامل اصلی پشتیبانی‌کننده هسته‌ای شدن ایران بعد از احمدی‌نژاد، مجلس بود.

حضور: از نظر شما عملکرد دولت در جهت حل مشکلات مردم، چگونه است؟

زاد سر: ارزیابی عملکرد دولت به معنی درست کلمه نیازمند زمان است زیرا هنوز به نیمه راه هم نرسیده است، اما اجمالا قابل قبول است و در ابعاد ارزشی، فرهنگی، کار و تلاش، پی‌گیری و قاطعیت و خطر کردن و نهراسیدن و... عملکردی در حد عالی داشته است. و تاروژی که دولت بر محور ولایت طواف کند و بر مدار خامنه‌ای عزیز و حکیم بچرخد، عزیز ما و مورد حمایت جدی بسیجیان و رزمندگان و خانواده‌های معظم شهداء، خواهد بود و لا غیر.

البته بحث تورم، گرانی، بیکاری، اعتیاد، طلاق و نرخ آن‌ها اختصاصی به دولت نهم ندارد، متأسفانه هیچکدام از دولت‌هایی که آمدند و رفتند تاکنون نتوانسته‌اند حتی نرخ صعودیشان را مهار کنند چه رسد به این که کاهش بدهند و یا صفر بگردانند، از جمله دولت نهم و علت‌العلل آن اولاً پول نفت است که بیماری مزمن و تاریخی اقتصاد کشور ماست و ثانیاً عدم حاکمیت سیستم بر

امور سه قوه اداره کننده کشور می باشد.

سخن در این بخش بس دراز است و کلام بسیار طویل، که در این مجال اندک پرداختن به آن بدسلیقگی است. اما اگر دولت نهم به طور نسبی ولو ۲۰ الی ۳۰ درصد بر اوضاع اقتصادی و نفتی و واردات و صادرات فائق گردند که ان شاء الله چنین بشود، این بنده مدعی است که کاری شده است کارستان.

بلی، برای رفع معضلات مورد اشاره، نظام مقدس جمهوری اسلامی باید تمام قد قیام کند و استقامت ورزد تا نتیجه ای مطلوب و مقبول به دست آید و گرنه تنها از عهده دولت ها برنیامده است و بعید است این دولت هم آنگونه که انتظار است چنان توفیق بزرگی رفیقش گردد.

حضور: اگر بخواهید جایگاه مردم را در اندیشه حضرت امام با کوتاهترین جملات توضیح

دهید چه می گویند؟

زاد سر: اصلاً امام خمینی یعنی دو کلمه اساسی و بنیادی اول خدا، دوم مردم. چنانچه با رایانه محاسبه شود احتمالاً ترجیح بند تمام دیوان عمر امام در قلم، قدم، مقام و موقعیت، خدا است و مردم، همانگونه که خدا با بسم الله الرحمن الرحیم قرآنش را شروع کرده است و با «ناس» تمامش فرموده است. خمینی یعنی اسلام و قرآن و مردم و مستضعفان.

جایگاه مردم در نزد امام آنچنان رفیع و منیع است که با افتخار فرمود: «اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر است تا رهبر بگویند.»

حضور: وظیفه مسئولین نظام اسلامی خصوصاً دولت در قبال مردم چیست؟

زاد سر: مسئولین در قبال مردم فقط و فقط یک وظیفه دارند و آنهم «نوکری» محض است و بس و این آنقدر مهم است و کلیدی که جانشین خمینی کبیر با صراحت فرمود: «در جمهوری اسلامی، مسؤول، نوکر مردم است.»

حضور: وضعیت جمهوری اسلامی را در عرصه بین‌المللی چگونه می‌بینید؟

زاد سو: شرایط سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی در سطح جهان در بهترین، قوی‌ترین، مؤثرترین و موفق‌ترین است، زیرا: جمهوری اسلامی ایران، اکنون مثل ملت‌ها برای یکدیگر است، خار چشم کفار خارجی و منافقان داخلی است، مایه امید مستضعفان و آزادگان جهان است و مقتدای امثال حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین است و هیچ وقت به این خوبی نبوده است. از جهت علمی و هسته‌ای هم که نیاز به توضیح ندارد.

حضور: مهمترین مشکلات مردم ایران در شرایط کنونی از نظر شما چیست و مجلس برای

حل این مشکلات چه برنامه ای دارد؟

زاد سو: مهمترین و بحرانی‌ترین معضل مردم مسلمان ایران اسلامی در شرایط فعلی، معیشت است و بیکاری که اولی را می‌باید تأمین کرد تا دین مردم را حفظ کرد و دومی را باید مرفوع ساخت تا دنیای مردم را از کجی و کاستی صیانت نمود و مجلس شورای اسلامی چه برنامه‌ای برای این دو دارد را می‌بایست از هیأت رئیسه محترم آن پرسید.

و از باب ختامه مسک، دو بیت از غزل (اول و آخر) شاعری عارف و شیرین سخن را در پاسخ به غزل معروف حضرت امام (من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم)، تقدیم می‌دارد و شما را به خدا می‌سپارد:

تو که خود خال لبی از چه گرفتار شدی / تو طیب همه‌ای از چه تو بیمار شدی  
یادی از ما بنما ای شده آسوده ز غم / ببردی ز همه خلق و به حق یار شدی

والسلام علیکم و علی جمیع عبادالله الصالحین

السلام علیک یا روح‌الله

مصاحبه کننده: سید مسعود حسینی